Supreme National Defense University Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge

https://smsnds.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8413

Vol. 16, No. 2, Issue. 64, Summer 2026 **Received:** 2026/02/02 **Accepted:** 2026/04/13

Research paper

Designing a Strategic Monitoring, Early Warning, and Timely Response System for Soft Warfare

Abdolrahim Pedram
Associate Professor of Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
Amir Sadeghi
PhD Student in Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: amirs60@gmail.com

Abstract
Soft warfare is regarded as an undeniable reality. Despite the significance and priority attached to soft warfare conducted by adversaries against the Islamic Republic of Iran, no independent, dedicated study has thus far been undertaken in the country on strategic monitoring, early warning, and timely response in soft warfare. This study employed a developmental-applied research design, adopting a qualitative approach and an exploratory research framework. Data were collected through purposive sampling, which continued until theoretical saturation was achieved. In-depth interviews were conducted with 17 experts from religious seminaries and academic institutions. The interviews were transcribed and subjected to thematic analysis to identify the processes involved in strategic monitoring, early warning, and timely response. Furthermore, a panel of seven experts examined and discussed the soft warfare indicators derived from the subsystems developed within the proposed strategic monitoring, early warning, and timely response system. Through deliberation and the exchange of expert perspectives, the panel sought to identify the key actors within the operational network of soft warfare. Trustworthiness was employed as a qualitative criterion, while Cohen's kappa coefficient was used as a quantitative measure to assess the validity and reliability of the research. The research process involved iterative analytical steps aimed at obtaining the fullest possible understanding of the strategic context of soft warfare. One of the study's principal findings indicates that, according to the participants, the civilian and military institutions of the Islamic Republic of Iran should establish an integrated strategic monitoring, early warning, and timely response system within a soft warfare command headquarters. The participants proposed that this system operate as an expert-driven, intelligent situation room, coordinated by the General Staff of the Armed Forces, which would serve as a liaison between strategically significant defense and non-defense sectors.

Keywords: Soft Warfare, Strategic Monitoring System, Early Warning and Timely Response System

پژوهشکده مطالعات راهبردی دانشگاه ملی

فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی

سال شانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۶۴)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۷-۴۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۴

مقاله پژوهشی

طراحی سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم

عبدالرحیم پدرام

دانشیار آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

امیر صادقی

دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: amirs60@gmail.com

چکیده

جنگ نرم، واقعیتی غیرقابل انکار تلقی می‌شود؛ اما علی‌رغم اهمیت و اولویت جنگ نرم دشمنان علیه کشورمان، تاکنون پژوهشی به‌طور مستقل و اختصاصی پیرامون دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم تحقیق خاصی در کشور انجام نشده است. نوع این پژوهش، توسعه‌ای-کاربردی، روش پژوهش کیفی و طرح پژوهش، اکتشافی بوده است. برای گردآوری داده‌های پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند انجام شد که پایان نمونه‌گیری هدفمند، دستیابی به اشباع نظری بوده است. مصاحبه‌های عمیق با ۱۷ نفر از خبرگان حوزوی و دانشگاهی، پیاده‌سازی شد و تحلیل مضمون انجام گرفت تا براساس مضامین به‌دست‌آمده، فرایندهای دیدبانی و هشدار و پاسخ به‌هنگام به دست آیند. در پانل خبرگان نیز با حضور ۷ تن، شاخص‌های جنگ نرم برآمده از زیرسامانه‌های طراحی شده در سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام به بحث و بررسی گذاشته شد تا پس از تعاطی افکار، کنشگران کلیدی در شبکه عملیاتی جنگ نرم شناسایی شوند. از مفهوم «قابلیت اعتماد» به‌عنوان معیاری کیفی و از ضریب کاپا به‌عنوان معیار کمی روایی و پایایی در این پژوهش استفاده شد تا محقق با تکرار گام‌ها به بیشینه اطلاعات از بافتار راهبردی جنگ نرم، دست یابد. یکی از مهم‌ترین یافته‌ها نشان می‌دهد که به اذعان مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کیفی، بهتر است مجموعه‌های کشوری و لشکری جمهوری اسلامی ایران با محوریت ستاد کل نیروهای مسلح به‌عنوان رابط میان حوزه‌های اثرگذار راهبردی دفاعی-غیردفاعی، سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام را در قرارگاه جنگ نرم به‌صورت یک اتاق وضعیت خبره-هوشمند راه‌اندازی کنند.

کلیدواژه‌ها: جنگ نرم، سامانه دیدبانی راهبردی، سامانه هشدار و پاسخ به‌هنگام

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود همواره در معرض خطرات و تهدیدات مختلفی از ناحیه عوامل خارجی و داخلی بوده است؛ جنگ، تجزیه‌طلبی، مبارزه‌های مسلحانه گروهک‌ها، براندازی از طریق اغتشاش و آشوب‌سازی در جامعه، کودتا، حمله نظامی، ترور شخصیت‌های اصلی نظام مانند اعضای حزب جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیری و ... ازجمله مواردی هستند که آگاهی پیش‌دستانه نهادهای مسئول، می‌توانست مانع از وقوع رخداد امنیتی شود. یکی از موضوع‌های مطرح در مطالعات سیاست‌گذاری، استفاده از رویکردهای آینده‌نگر و بهره‌گیری از دانش و ابزار آینده‌پژوهی است. به نظر می‌رسد که این مسئله در سیاست‌گذاری جنگ نرم به‌واسطه اهمیت مقوله جنگ نرم و با توجه به لایه‌ای بودن عدم قطعیت‌ها و متغیرها پُراهمیت‌تر است (عیوضی، ۱۴۰۲: ۱۰۸۳).

فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) پس از دیدار با جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما چنین می‌فرمایند: «جنگ نرم همه‌جانبه دشمن، امروز قابل انکار نیست. بااین‌حال برخی آن را انکار می‌کنند و این خود نیز بخشی از جنگ نرم است.»[۱]

براین‌اساس، جنگی که استکبار جهانی و در رأس آن‌ها آمریکا در حوزه نرم علیه انقلاب اسلامی به راه انداخته‌اند، در واکنش به تهدیدهایی است که از سوی انقلاب اسلامی متوجه منافع مادی آن‌ها بوده و طبیعی است که با قوت و قدرت گرفتن فزاینده انقلاب اسلامی و به‌ویژه گسترش روزافزون آن در اقصی نقاط جهان، نه‌تنها دشمنی آن‌ها کنار گذاشته نخواهد شد، بلکه ابعاد و دامنه این دشمنی و اقدام‌ها ازجمله در حوزه جنگ نرم نیز توسعه خواهد یافت.

تاریخ از هشت سال جنگ برای ایران، شرف و آزادگی و مقاومت و ایمان به خدا را در صفحات خود ثبت کرد، نتایج به‌دست‌آمده این مطلب را اثبات می‌کند همچنان که مراجع عظام و حوزه‌های علمیه نقش مؤثر در دفاع مقدس داشته‌اند، با توجه به اهداف و ابزارهای

---

۱. در پیِ دیدار جمعی از تهیه‌کنندگان، کارگردانان و بازیگران با رهبر انقلاب اسلامی در مورخه ۱۳۹۷/۰۸/۲۵، حضرت امام خامنه‌ای فردای آن روز نکاتی را که به دلیل کمبود وقت نتوانسته بودند با این جمع در میان بگذارند، یادداشت کرده و برای آنان ارسال کردند.

جدید دشمن، بدیهی است در جنگ نرم نیز نقش مؤثرتری نسبت به گذشته باید ایفا کنند (ده‌جمالی، ۱۳۹۸: ۵).

با وجود اهمیت و اولویت جنگ نرم دشمنان علیه کشورمان، تاکنون به‌طور مستقل و اختصاصی پیرامون دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم تحقیق خاصی در کشور انجام نشده و اگر هم انجام شده یا چاپ نشده یا دارای طبقه‌بندی بوده است. در جهان دگرگون‌شده‌ای که نمی‌توان مظلومیت کودکان غزه، لبنان، یمن را پس از بمباران رژیم صهیونی به گوش جهانیان رساند و هجمه همه‌جانبه روانی نظام سلطه در کم‌تر از یک روز، بهای دلار را بدون مبادله فیزیکی به بالاترین رقم ممکن می‌رساند، تنها پرسش واقعی که می‌تواند در پیشِ‌روی پژوهشگران حوزه جنگ نرم در ایران اسلامی قرار داشته باشد؛ این است که «چگونه می‌توان با بهره‌گیری از تفکر سیستمی، سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم طراحی کرد؟»

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۱. دیدبانی راهبردی

در آینده‌پژوهی رایج در سطح جهان، واژه «واچینگ»[1] به‌عنوان معادل انگلیسی دیدبانی راهبردی شناخته می‌شود. اگرچه برابر نهاد آن، در دیگر مراکز آینده‌پژوهی جهان، روش‌هایی با عنوان «پویش افق»[2]، «پویش محیطی»[3] و حتی «پویش»[4] و «پایش»[5] به‌صورت جداگانه بوده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸). نمونه به‌کارگیری واژه واچینگ در شکل (۱)، ارائه شده است و از دیگر نمونه‌های مرتبط می‌توان به دیدبان سازمان ملل «یوان‌واچ»[6] و پایگاه دیدبان بحران گروه بین‌المللی بحران «کرایسیس‌واچ»[7] اشاره کرد.

1. Watching
2. Horizon Scanning
3. Horizon Scanning
4. Scanning
5. Monitoring
6. UNWatch
7. CrisisWatch





شکل ۱: نمونه به‌کارگیری واژه واچینگ در اسناد راهبردی مرتبط با امنیت

برخی آینده‌پژوهان ایرانی، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فراوان دانش هوشمندی، فرایندهای «دیدبانی هوشمند راهبردی» را به‌عنوان الگوی بومی دیدبانی به‌عنوان واچینگ را به‌صورت زیر ارائه کرده‌اند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸):

- ❖ فرایند پایش و پویش اسناد راهبردی معتبر و موثق؛
- ❖ فرایند هشدار به‌هنگام راهبردی؛
- ❖ فرایند درک نیات راهبردی خصمانه.

۱-۲. پیشینه سامانه‌های دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام

الگوهایی که در این بخش، مورد پیشینه‌یابی قرار گرفته‌اند، چه الگوهای خارجی و چه داخلی، با هدف افزایش قابلیت پیش‌نگری و آگاهی از آینده با بهره‌گیری از تفکر سیستمی و فرایندهای چرخه‌ای در موضوع تحقیق طراحی شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: الگوهای منتشره سامانه‌های دیدبانی راهبردی (منبع: نگارندگان)

الگوها	مرجع	ابعاد
دیدبانی شرکت نفت کویت	گوردون (۲۰۱۳: ۲)	پویش؛ تحلیل و ترکیب؛ مدیریت
سامانه دیدبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	پدرام و مؤمنی زاهد (۱۳۹۸: ۵۰)	گروه مطالعاتی؛ پردازش و تحلیل؛ مدیریت؛ گروه انتشار
سامانه دیدبانی راه‌آهن در حوزه ترانزیت	پدرام و محمدی (۱۳۹۹: ۳۱۴)	گروه پردازش؛ مدیریت؛ گروه نقد و نواندیشی؛ گروه برون‌داد

الگوها	مرجع	ابعاد
سامانه دیدبانی و هشدار زودهنگام بحران‌های اجتماعی	توکلی و احمدیان (۱۴۰۳: ۲۸۵)	گروه علم داده؛ هوش مصنوعی در مدیریت اطلاعات جغرافیایی کانون‌های بحران‌خیز؛ بررسی، تحلیل و ترکیب اطلاعات در شبکه اجتماعی هم‌اندیشی فعالان فرهنگی به‌منظور پیشگیری و مدیریت بحران‌های اجتماعی
نظام دیدبانی آموزش عالی	صدری نوش‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷: ۸۱۰)	رصدخانهٔ آموزش عالی کارآفرینانه و تأسیس یا سازمان‌دِهی پایگاه‌های داده‌های مورد نیاز این حوزه
نظام دیدبانی سلامت جمهوری اسلامی ایران	دماری (۱۳۹۹: ۵۰۲)	کارکردهای دیدبانی، شیوه‌های گزارش، خروجی‌ها و محصولات، فرایندها، روال‌ها و استانداردها، منابع مالی، امنیت اطلاعات و ضمانت اجرایی و انگیزش
دیدبانی فناوری	میرشاه ولایتی و همکاران (۱۳۹۸: ۷۳)	عناصر، اهداف، توانمندسازها، سبک دیدبانی و فرایند دیدبانی
دیدبانی هوشمند راهبردی	صادقی، پدرام و شیخلری (۱۳۹۹: ۱۰۵)	گروه اوسینت، گروه تحلیل، گروه مدیریت، کمیته راهبری
سامانه دیدبانی در سازمان جنگل‌های آمریکا	هاینز و همکاران (۲۰۱۸: ۱۸)	جمع‌آوری؛ برچسب‌زنی به داده‌ها؛ تحلیل؛ علائم قوی و علائم ضعیف تغییر
دیدبانی با رویکرد مشارکت‌جویانه مبتنی بر روش دلفی	وینتل (۲۰۲۰: ۲۰)	مسئله‌یابی در حوزه مورد بررسی؛ کارگاه‌های بحث و گفت‌وگو برای بررسی مسائل
الگوی مؤسسه مدیریت ریسک انگلیس	آی‌آرام (۲۰۱۹: ۱۰)	«معنابخشی» ریسک‌های آینده از طریق بصری‌سازی یافته‌های دیدبانی

۱-۳. قوت‌ها و اشتراک میان الگوها

می‌توان موارد زیر را به‌عنوان قوت‌های الگوهای دیدبانی مورد بررسی ارائه کرد:

- دارا بودن نگاه راهبردی، کل‌نگر و یکپارچه به موضوع مورد تحقیق؛

- ❖ پرهیز از ابهام، پیچیدگی در طراحی سامانه و نمایش واضح و همه‌فهم اجزا و فرایندهای سامانه؛
- ❖ توجه به زیرسامانه‌ها و ارتباط ساختاری منطقی میان آن‌ها؛
- ❖ دارا بودن ورودی و خروجی منطقی؛

آنچه در همه این منابع می‌توان به‌عنوان نقطه اشتراک، مورد اشاره قرار داد، پرداختن به بافتار علم اطلاعات و بهره‌مندی از چرخه اطلاعات برای حل مسئله است.

۱-۴. افتراق و حوزه‌های مغفول

می‌توان طراحی سامانه دیدبانی را اثرپذیر از موضوع مورد بررسی دانست که در الگوهای دیدبانی به این متغیر پرداخته نشده است. همچنین موارد افتراق الگوهای دیدبانی موجود در ایران و جهان را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- ❖ تمایز معناداری میان مفاهیم مرتبط با پویش محیطی و پویش افق در جهان وجود دارد؛ درحالی‌که به‌دلیل خلط مباحث آینده‌پژوهی رایج در ایران، در الگوهای مورد مطالعه دیدبانی، شگفتی‌ساز در کنار روند و همچنین مفاهیم مرتبط با مدیریت فناوری در کنار نشانک‌های تغییر و روند ارائه شده است؛
- ❖ اگرچه برخی از طراحان سامانه‌های دیدبانی، به‌صورت عملی، چرخه اطلاعات را به‌عنوان بستر فعالیت‌های دیدبانی راهبردی مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند، اما دیگر پژوهشگران، سامانه دیدبانی را همچون یک فرایند مدیریتی نظام‌مند در سطوح راهبردی تلقی کرده‌اند و آن را دارای ورودی و خروجی و نظام بازخوردگیری دانسته‌اند که به نظر می‌رسد از مدل دیوید در کتاب مدیریت راهبردی گرته‌برداری شده است (دیوید، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

حوزه‌های مغفول در الگوهای دیدبانی مورد مطالعه را نیز می‌توان به‌صورت زیر ارائه کرد:

- ❖ هیچ‌یک از طراحان سامانه‌های طراحی‌شده، شاخص‌های دیدبانی، کنشگران، فرایندها، زیرسامانه‌ها و اجزای اختصاصی سامانه را درون سامانه تبیین و بصری‌سازی نکرده است؛
- ❖ به‌جز دو الگو، طراحان دیگر الگوهای سامانه دیدبانی، به درک نیات راهبردی خصمانه توجهی نداشته‌اند؛ درحالی‌که اگر بتوان فعالیت دیدبان را همچون فعالیت دیدبانان در زمان نبرد همراه با دوربین دوچشمی و قطب‌نما تصور کرد، باید سامانه دیدبانی دارای زیرسامانه متناسبی برای پاسخ به این پرسش باشد که «رقیب یا دشمن سازمان چگونه و به چه چیزی می‌اندیشد؟» (شیخلری، ۱۳۹۸: ۱۶۷).

۱-۵. دیدبانی راهبردی در جنگ نرم

نفوذ اندیشه‌ها و الگوهای غربی در میان جوانان، تضعیف باورها و ارزش‌ها و افزایش نرخ رفتارهای معارض با اعتقادات و باورهای ملی به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است (توکلی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۸۵).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، این‌چنین می‌فرمایند: «جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است ... چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟ چه‌کار کند انسان؟ من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه این آرمان‌ها و علیه همه آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را، این‌ها را انسان دارد می‌بیند».[۱]

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد شیوه دشمن برای رسیدن به اهدافش عبارت‌اند از: تحریف واقعیت‌ها، استفاده همه ابزارهای در اختیار، مأیوس کردن مردم و مسئولین از آینده کشور با قدرت فضای مجازی، ایجاد اقتصاد ضعیف، بهره‌گیری از تحریم و انکار واقعیت که برای مقابله با چنین دشمنی نیز دفاع محکم و متقابل، پایبندی به اصول، مرزبندی با دشمن، تلاش برای رسیدن به رکوردهای بزرگ و جهاد علمی توصیه شده است (شریفی، ۱۴۰۱: ۷).

---

۱. بیانات حضرت امام خامنه‌ای در دیدار با شعرا (۱۴۰۳/۱۰/۱۰)

فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از نوجوانان به وجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی، ضعف باورهای اعتقادی افراد را سبب می‌شود (رفیعی‌راد، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

به باور جوزف نای، قدرت قابلیت نفوذ در رفتار دیگران به‌منظور دستیابی به نتایج دلخواه را دارد که این تأثیرگذاری از شیوه‌های پرشماری همچون تهدید، تطمیع یا جاذبه و متقاعدسازی محقق می‌شود. همچنین نای قدرت نرم را فراتر از تأثیرگذاری می‌داند، چراکه قدرت نرم زمینه‌ساز وادارسازی یا توانایی جنبش‌سازی از مردم با استدلال است و اغلب موجب رضایت و تسلیم آن‌ها در برابر خواسته‌های قدرت می‌شود. با توجه به محتوای نظریه قدرت نرم شکل‌گیری تهدید از سوی کنشگر تهدیدزا، در جنگ نرم به ترتیب زیر خواهد بود (Chitty, 2023: 3):

- ❖ استخدام منابع نرم؛
- ❖ الگوسازی؛
- ❖ اقناع؛
- ❖ اعمال سلطه.

با توجه به مطالب پیش‌گفته پیرامون جنگ نرم و مطالعه الگوهای دیدبانی راهبردی، می‌توان در برخی کشورهای مورد مطالعه، به شواهدی آشکار دست یافت. به‌عنوان نمونه، در رژیم صهیونیستی، دستگاه «هاسبارا»[1] مسئول پیشبرد راهبردهای مرتبط با جنگ نرم است که ارتباط مستقیم با دفتر نخست‌وزیری این رژیم دارد. اسنادی پیرامون ضرورت راه‌اندازی «سامانه دیدبانی و هشدار به‌هنگام»[2] در جنگ نرم از سوی اندیشمندان صهیونیستی منتشر شده که برای رویارویی با جنگ نرم جمهوری اسلامی ایران، نویسنده خواستار راه‌اندازی شتابان این سامانه بوده است. در یکی از اسناد، «شموعیل بار»[3]، این‌گونه آمده است: «رویه‌های حقوقی به‌صورت فزاینده، نقش بزرگ‌تری در مبارزه دشمنان رژیم صهیونیستی ایفا می‌کنند.

1. Hasbara
2. Early Warning System
3. Shmuel Bar: استاد دانشگاه تل آویو و سخنران صهیونیستی کنفرانس امنیتی هرتزلیا ۲۰۱۰ میلادی

به‌منظور انجام عملیات در برابر این رویه‌ها، ضروری است تا خبرگی و توجه دقیق پیرامون رخدادها در عرصه قوانین بین‌المللی و نظام‌های حقوقی هر یک از کشورهای جهان وجود داشته باشد تا پیش از این‌چنین سامانه‌ای وجود نداشته است؛ اما بهتر است رژیم صهیونیستی سازوکارهای حقوقی خود را به‌گونه‌ای فراهم کند که هشدار به‌هنگام، مشاوره راهبردی و عملیات پیش‌دستانه را برای سران رژیم فراهم سازد» (Bar, 2010: 10).

نویسنده با تأکید بر به‌کارگیری سامانه هشدار به‌هنگام، می‌افزاید: «خلأ چشمگیری در کاربست «مؤلفه‌های حیاتی در دانش اطلاعات»[1] وجود دارد. رژیم این مؤلفه‌ها را هنگامی فعال می‌کند که تهدید حقوقی، جامه عمل به خود پوشیده باشد درحالی‌که می‌بایست این سازوکارها، در بستری مرتبط با جنگ نرم در جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی وجود داشته باشند. درواقع، پیکره مجزا یا کارگزار مشخصی در جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی وجود ندارد که متولی پایش برنامه‌های جنگ نرم علیه رژیم باشد. این جنگ بسیار کم‌شدت هنگامی‌که در شکاف‌های برآمده از تهدیدات پُرشدت (به‌ویژه در نبرد با تروریسم و برنامه هسته‌ای ایران) عمل می‌کند، بسیاری از توجهات و منابع جامعه اطلاعاتی رژیم را صرف خود می‌کند. این خلأ در پاسخ دیرهنگام و بیهوده جامعه اطلاعاتی به فرایند منجر به «گزارش گلدستون»[2] کاملاً نمایان بوده است» (Ibid: 11).

وی به جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای رویارویی موفّق در برابر حملات آفندی از سوی ایران، حزب‌الله، گروه‌های فلسطینی، چنین پیشنهاد می‌دهد:

- «جنگ نرم»[3] را بایستی به‌عنوان کاربست متمایزی از دیگر ابزارهای عملیات روانی قلمداد کرد که از زمان تأسیس رژیم و به‌ویژه پس از جنگ ۱۹۶۷ میلادی، بنیان دیپلماسی عمومی رژیم را به چالش کشیده است؛ بنابراین رژیم نیازمند ایجاد «جعبه ابزار»[4] نوینی با رویکرد فعالانه است و نمی‌توان تنها با بهبود عملکرد زیرساخت‌های کنونی، در جنگ نرم پیروز شود.

1. Essential Elements of Intelligence
2. Goldstone Report
3. Soft warfare
4. Toolbox

- آمادگی نهادی در این جنگ بایستی در سطح سازمان‌های حاکمیتی رژیم ایجاد شود. بازآرایی نظام موجود در برابر جنگ نرم پیشنهاد می‌شود تا با تأسیس یک نهاد مرکزی با ارتباط بی‌واسطه با دفتر نخست‌وزیری یا شورای ملی دفاع، گونه‌های نوینی از همکاری و هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، نیروی دفاعی رژیم (ارتش صهیونیستی)[1] و دیگر نیروهای امنیتی رژیم، نهادهای دانشگاهی و علمی رژیم، سمن‌ها و سازمان‌های صهیونیستی و بنیادهای یهودی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی ایجاد شود.
- تدوین و طراحی ارائه رهنامه یکپارچه «آفندی» در جنگ نرم؛ به‌گونه‌ای که در آن شناسایی دشمن اصلی، تدوین راهبرد رویارویی موفق با آن دشمن، گزینش شیوه‌ها و ابزارهای مناسب برای جنگ وجود دارد و به‌همراه شیوه‌هایی برای نبرد یکپارچه با رزم‌افزارهای نرم دشمن در همه حوزه‌های سیاسی و نظامی، سبب هم‌افزایی همه اقدامات سیاسی، نظامی، دیپلماسی عمومی و اقتصادی رژیم صهیونیستی می‌شود.
- بایستی واحد ویژه‌ای در جامعه اطلاعاتی متناسب با این نیازمندی ایجاد شود که مسئولیت گردآوری و طراحی راهکارهای عملیاتی متناسب با جنگ رژیم در حوزه دیپلماسی عمومی را بر عهده خواهد داشت.
- فرموله کردن طرح‌های جنگ نرم و ایجاد پیام‌های مؤثر برای دیپلماسی عمومی؛
- بسیج دوستان و هم‌پیمانان برای همراهی در این جنگ؛
- ایجاد زیرساخت آموزشی برای مسئولان و نهادهای ذی‌ربط؛
- تقویت شبکه‌های ضروری اقتصادی در برابر تحریم کالاهای صهیونیستی.

با توجه به مطالعات انجام‌یافته، رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از غافل‌گیری در جنگ نرم، بر ضرورت راه‌اندازی سامانه دیدبانی و هشدار به‌هنگام جنگ نرم تأکید کرده‌اند؛ اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که طرح استقرار، ساختار و اجزای این سامانه را به‌صورت عمومی منتشر کنند.

1. IDF: Israel Defence Force

۱-۶. مرزهای جنگ نرم با دیگر مفاهیم مشابه

با توجه به وجود اختلاف‌نظر میان اندیشمندان دربارهٔ واژه جنگ نرم و عدم توافق پیرامون این مفهوم در دیدبانی راهبردی، شناخت مرزهای مفهومی جنگ نرم ضرورت می‌یابد (جدول ۲).

جدول ۲: مرزهای جنگ نرم با دیگر مفاهیم مشابه (منبع: نگارندگان)

عنوان مفهوم	تمایز مفهوم با جنگ نرم
جنگ ترکیبی	جنگ ترکیبی، جنگ همه‌جانبه‌ای است که دشمن تمام منابع و امکانات نظامی و غیرنظامی خود را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، شناختی، رسانه‌ای، علم و فناوری، حقوقی، سایبری، زیست‌محیطی، امنیتی و عرصه‌های نظامی با ماهیت سخت، نیمه‌سخت، نرم و امنیتی به‌صورت هوشمندانه، یکپارچه، هم‌افزا و هم‌زمان برای اعمال اراده خود بر نظام سیاسی یک کشور با هدف انفعال، تسلیم یا براندازی به‌کار می‌گیرد که به‌تناسب جغرافیا، موقعیت زمانی و ... بعضی از شقوق آن برجسته‌تر می‌شود (نصیرزاده، ۱۴۰۳: ۱۰). به نظر می‌رسد تهدید نظامی، تحریم اقتصادی، مذاکره فریبنده و جنگ نرم از عناصر تشکیل‌دهنده جنگ ترکیبی هستند؛ به عبارت دیگر، جنگ ترکیبی بر پایه جنگ نرم است.
جنگ شناختی	جنگ شناختی به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف به‌منظور تغییر ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و هیجانات است. به‌طور خاص، هیجانات راه‌هایی برای مقابله و سازگاری با موقعیت‌های اجتماعی هستند که زندگی ارائه می‌دهد. یکی از اهداف جنگ شناختی تحت تأثیر قرار دادن سامانه هیجانی افراد در جامعه بوده است. جنگ شناختی می‌تواند بخشی از اجزا یا فنون جنگ نرم باشد ولی با آن یکسان نیست. از زاویه دیگر، جنگ نرم، جنگی شناختی است، چراکه مهارت‌هایی همچون روان‌شناسی شناختی و اثرگذاری بر گروه‌های اجتماعی، در آن کاربرد دارند (حسن‌پور، ۱۴۰۳: ۹۱).
جنگ روانی	جنگ روانی یک جنگ بدون خشونت بوده و برای دستیابی به اهداف نظامی استفاده می‌شود. در جنگ روانی ابعاد روان‌شناختی به اندازه ابعاد فیزیکی بسیار مهم است؛ در مبارزه با تهدید تروریسم، بُعد روان‌شناختی اهمیت زیادی می‌یابد؛ چراکه تروریست‌ها از خشونت به‌عنوان یک سلاح روان‌شناختی استفاده می‌کنند تا مردم را به وحشت اندازند. تفاوت جنگ نرم با جنگ روانی این است که جنگ نرم محدود به تغییر در ذهن‌ها و گسست شناختی و هنجاری نیست و در ادامه پس از تغییر رفتار، مدیریت

عنوان مفهوم	تمایز مفهوم با جنگ نرم
	رفتار را نیز پیگیری می‌کند؛ زیرا «تأثیرگذاری بر ذهنیت‌ها و رفتار، تنها با تکیه بر جنگ روانی و تبلیغات انجام نمی‌شود.» (رستمی، ۱۴۰۱: ۴۰)
جنگ رسانه‌ای	جنگ رسانه‌ای بهره‌گیری از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌های جمعی اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و ... است که هدف آن پیشبرد اهداف و منافع ملی است. جنگ رسانه‌ای به‌عنوان یکی از ابزارهای تغییر نگرش، محسوب می‌شود. درحالی‌که جنگ نرم برای تأثیرگذاری بر ذهنیت‌ها، نگرش‌ها و رفتارها از ابزارهای متنوعی بهره می‌گیرد و افزون بر تغییر نگرش در پیِ مدیریت رفتار نیز بوده است (ایروانی، ۱۴۰۳: ۵۷).
جنگ اطلاعاتی	جنگ اطلاعاتی جنگ در فضای اطلاعات باهدف آسیب‌زدن به سامانه‌ها، فرایندها، منابع اطلاعاتی و ساختارهای حیاتی کشور هدف تعریف می‌شود. هدف این جنگ برخلاف گذشته که عمدتاً پیروزی نظامی در جنگ کلاسیک بود، اثرگذاری بر نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ایجاد کارزارهای روانی گسترده جهت تضعیف ثبات جامعه و فشار بر یک دولت به‌گونه‌ای است که مطابق با منافع عاملان جنگ اطلاعاتی تصمیم‌گیری و عمل کند؛ جنگ اطلاعاتی تنها یکی از بخش‌های جنگ نرم است ولی بسته به شرایط می‌تواند مهم‌ترین بخش آن به شمار آید (ترابی، ۱۴۰۰: ۴۷).
جنگ سایبری	جنگ سایبری، نبرد مجازی، رایاجنگ، جنگ دیجیتالی یا جنگ شبکه، به‌نوعی از نبرد گفته می‌شود که طرفین جنگ در آن از رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای (به‌خصوص شبکه اینترنت) به‌عنوان ابزار استفاده کرده و نبرد را در فضای مجازی پیگیری می‌کنند. قدرت سایبری یعنی توانایی استفاده از فضای سایبر برای خلق مزیت‌ها و تأثیر بر رویدادهای محیط‌های عملیاتی دیگر و ابزارهای قدرت. قدرت سایبری می‌تواند برای دستیابی به نتایج مطلوب در فضای سایبر استفاده شود، یا می‌تواند از ابزارهای سایبری برای کسب نتایج مطلوب در حوزه‌های دیگر خارج از فضای سایبر استفاده کند. در داخل حوزه سایبر ابزار اطلاعاتی می‌توانند برای تولید قدرت نرم از طریق تدوین دستورکار، جذب یا ترغیب به‌کار روند (آذر، ۱۴۰۲: ۳۵)
جنگ فرهنگی	در ۵۰ سال گذشته، مبارزات مسلحانه مبتنی بر جامعه مدنی به‌طور فزاینده‌ای با جنبش‌های مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز دچار هم‌زیستی شده است. تغییرات آرام در نظام‌های هنجاری، با دگرگونی اجتماعی همراه می‌شود و اعتراضات غیرخشونت‌آمیز در برخی کشورها، به تغییر رژیم یا براندازی می‌انجامد. در این راستا، جنگ فرهنگی به‌مثابهٔ گونه‌ای متمایز از جنگ نرم در تعاملی سازنده و معنادار با تهاجم فرهنگی است؛ اما گستره مفهومی جنگ نرم فراگیرتر از جنگ فرهنگی با دو راهبرد تهاجم فرهنگی

عنوان مفهوم	تمایز مفهوم با جنگ نرم
	و نفوذ فرهنگی است و افزون بر بُعد فرهنگی، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و سازوکارهای متنوعی نیز خواهد بود (حاجی صادقی، ۱۳۹۴: ۹۷). جهاد تبیین یک نوع جنگ فرهنگی است که در عرصه جنگ نرم، از اهمیت والایی برخوردار است. در تهاجم نرم که دشمن از طریق وارونه‌نمایی یا تحریف‌نمودن حقایق و ارزش‌های جامعه هدف، قصد دارد باور و نگرش آن جامعه را با افکار و اهداف خود، هم‌سو سازد. کارآمدترین ابزار برای مقابله، «جهاد تبیین» است؛ چراکه رسالت این نوع جهاد، پرده برداشتن از حقایقی است که دشمن تلاش دارد آن‌ها را پنهان سازد (مؤمن، ۱۴۰۲: ۹۱).

۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش منجر به طراحی سامانه در پارادایم (الگوواره) ساخت‌گرایی و دانشی که در این پژوهش به‌دست‌آمده است به افراد مشارکت‌کننده در فرایند پژوهش وابسته است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۶). رویکرد پژوهش در دسته پژوهش‌های استقرایی قرار دارد و فرضیه و نظریه‌ای برای آن در ابتدای امر مدنظر نبوده است. جهت‌گیری پژوهش توسعه‌ای است و به‌سوی توجه نظام‌مند به آینده در حوزه جنگ نرم و پاسخی راهبردی از جنس طرح و ساختار سازمانی در بافتار جنگ روایت‌ها گام برمی‌دارد (سرمد، ۱۳۸۲). چراکه از یک‌سو با طراحی سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم، دانشی کاربردی ارائه می‌شود و راه‌حلی برای کاربست یک مسئله راهبردی در کشور پیشنهاد می‌کند و از سوی دیگر با نگاهی انتقادی به سامانه‌های دیدبانی موجود در دیگر حوزه‌های راهبردی متأثر از آینده‌پژوهی رایج، مؤلفه‌های ناهماهنگ شناسایی شده و گزاره‌های سازگار با بافتار راهبردی ایران اسلامی ارائه و دانش پیشین آینده‌پژوهی توسعه داده می‌شود.

ازآنجاکه اطلاعاتی پیرامون چگونگی طراحی سامانه‌های دیدبانی در جنگ نرم وجود ندارد، ماهیت اصلی این پژوهش، اکتشافی بوده است. برای گردآوری داده‌های پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند انجام شد که پایان نمونه‌گیری هدفمند، دستیابی به اشباع نظری بوده است. مصاحبه‌های عمیق با ۱۷ نفر از خبرگان حوزوی و دانشگاهی، پس از دستیابی به اشباع

نظری، پیاده‌سازی شد و تحلیل مضمون انجام گرفت تا براساس مضامین به‌دست‌آمده، فرایندهای دیدبانی و هشدار و پاسخ به‌هنگام به دست آیند. در پانل خبرگان نیز با حضور ۷ تن، شاخص‌های جنگ نرم برآمده از زیرسامانه‌های طراحی شده در سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام به بحث و بررسی گذاشته شد تا پس از تعاطی افکار، کنشگران کلیدی در شبکه عملیاتی جنگ نرم شناسایی شوند (جدول ۳). از مفهوم «قابلیت اعتماد» به‌عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی در این پژوهش استفاده شد تا محقق با تکرار گام‌ها به بیشینه اطلاعات از بافتار راهبردی جنگ نرم، دست یابد و از دستاوردها و خروجی‌های سامانه طراحی شده با اطمینان بیشتری به شناسایی علائم ضعیف تغییر، درک نیات راهبردی دشمنان و هشدار به‌هنگام راهبردی پیرامون شگفتی‌سازهای آینده در جنگ نرم بپردازد.

ویژگی‌های جامعه آماری به ترتیب زیر است:

- مدیران سطوح عالی حوزه علمیه که با طراحی سامانه دیدبانی آشنا و دست‌اندرکار جنگ نرم باشند؛
- کارشناسان ارشد دست‌اندرکار در نهادهای دفاعی امنیتی که دست‌اندرکار «اوسینت»[1] در جنگ نرم باشند؛
- مدیران رسانه در جایگاه‌های عالی رسانه ملی که درس‌آموخته آینده‌پژوهی در مقطع دکتری باشند؛
- مدیران متخصص در هوش مصنوعی در نهادهای امنیتی که پیگیر پایش مستمر شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی هستند.

همچنین با توجه به معیار کمی سنجش اعتبار تحقیق کیفی از ضریب پایایی کاپای کوهن استفاده شد که برای محاسبه توافق بین دو کدگذار در تحلیل کیفی استفاده می‌شود (روشن چسلی، ۱۴۰۲: ۱۸۳). میانگین ضریب کاپا در این مطالعه، ۰/۸۷۵ به دست آمد که این عدد هرچه به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده وجود توافق بین دو مشارکت‌کننده تحقیق کیفی است.

1. OSINT

جدول ۳: نمونه‌های آماری براساس روش‌شناسی ارائه شده (منبع: نگارندگان)

مرحله	نمونه عملی	تعیین حداقل حجم نمونه لازم
مصاحبه	۱۷ نفر	کفایت خبرگی مورد نظر است. افراد منتخب از صاحب‌نظران سطوح عالی حوزه علمیه (۴ نفر)، هوش مصنوعی (۳ نفر)، مدیریت رسانه (۳ نفر)، اوسینت (۴ نفر) و امنیتی-اطلاعاتی (۳ نفر)
پانل خبرگی طراحی	۷ نفر	کفایت خبرگی مورد نظر است. افراد منتخب از صاحب‌نظران سطوح عالی حوزه علمیه (۳ نفر)، هوش مصنوعی (۱ نفر)، مدیریت رسانه (۱ نفر)، اوسینت (۱ نفر) و امنیتی-اطلاعاتی (۱ نفر)

مبنای انتخاب مشارکت‌کنندگان در فرایند مصاحبه و شرکت در پانل خبرگی، فعالیت مستمر در واحدها و فرایندهای کلیدی داخلی و خارجی اثرگذار و اثرپذیر یک کسب‌وکار مورد مطالعه، عنوان شده است؛ بنابراین معیار و شاخص انتخاب مشارکت‌کنندگان پژوهش، فعالیت پیگیرانه و سال‌های حضور در آن تخصص مرتبط با این رساله در بخش‌های دینی، آینده‌نگری، اطلاعات «حوزه‌های عقیدتی و سیاسی»[1]، دیدبانی و طراحی سامانه‌های هوش مصنوعی در دیدبانی، پایش و هشدار تهدیدات بوده است. داده‌های لازم برای انجام مراحل پژوهش، با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق به‌صورت فردی و جمعی گردآوری شده است.

نعیم (۲۰۲۳) چنین بیان می‌کند که فرایند تحلیل مضمون، زمانی آغاز می‌شود که تحلیلگر در پیِ شناخت الگوهایی از معانی و مضامین موجود در داده‌ها باشد. وی برای این روش فرایند مشتمل بر ۶ گام را توسعه داده است. مراحل پیشنهادی وی برای روش تحلیل مضمون عبارت‌اند از:

۱. پیاده‌سازی مصاحبه و آشنایی با داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه؛
۲. شناسایی کلمه کلیدی؛
۳. کدگذاری داده‌ها؛

1. Political-Ideological Intelligence

۴. جست‌وجو و شناخت مضامین؛

۵. مفهوم‌سازی از طریق تفسیر کلمات کلیدی، کدها و مضامین؛

۶. توسعه یک مدل مفهومی.

برای گردآوری نظرات مشارکت‌کنندگان «پژوهش کیفی»[1]، مصاحبه، پژوهشگر سه بخش در آن پیش‌بینی کرد که بخش نخست دربرگیرنده بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش و بخش دوم، الگوی مفهومی پژوهش و بخش سوم، دستاوردهای حاصل از بررسی ادبیات پژوهش بوده است. در طراحی پرسش‌ها از پرسش‌های بنیادین و کلی به‌سوی پرسش‌های ویژه، حساس، جزئی و فنی نظم‌دهی قیفی صورت گرفت و پرسش‌ها با واژگان مشابه و جمله‌بندی یکسان مطرح شد. همچنان که در بخش‌های پیشین اشاره شد، برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، روش تحلیل مضمون انتخاب شد.

۳. یافته‌ها و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

۳-۱. یافته‌های تحقیق

براساس گام‌های نعیم (۲۰۲۳: ۱۰) در جدول (۴)، نمونه یکی از مصاحبه‌های این پژوهش با مشارکت‌کنندگان پژوهش کیفی با روش تحلیل مضمون، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است تا نکات کلیدی، مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده به دست آیند.

جدول ۴: نمونه تحلیل مضمون یکی از مصاحبه‌های جنگ نرم

ردیف	نکات کلیدی	مضامین پایه	مضامین سازماندهنده
PA1	جنگ نرم پر از شگفتی‌سازهای نوپدید خواهد بود	شگفتی‌سازها در جنگ نرم	رویارویی با شگفتی‌سازها

۱. بنا به درخواست مشارکت‌کنندگان نظامی و غیرنظامی دست‌اندرکار در این رساله، از ذکر اسامی افراد و همچنین سازمان‌ها و نهادهای منتخب به منظور برخی ملاحظات اجتناب می‌شود؛ بنابراین در ادامه پژوهش، پژوهشگر از عناوین مثالی همچون «مرکز، مؤسسه، سازمان، ستاد و دانشگاه» نام می‌برد.

ردیف	نکات کلیدی	مضامین پایه	مضامین سازماندهنده
PA2	روزمرگی، بی‌رمقی و بی‌حوصلگی یا کم‌حوصلگی مدیران میدانی در توجه به هشدارها و بازتاب آن هشدارها در سلسله‌مراتب فرماندهی به‌ویژه در مسئله انتخابات	اهمیت و ضرورت اثربخشی هشداردهی در جنگ نرم	ارتباط سازمانی مؤثر در هشداردهی جنگ نرم
PA3	موازی‌کاری واحدها، مراکز و قرارگاه‌های پرشمار دیدبانی جنگ نرم	جلوگیری از موازی‌کاری در جنگ نرم	الزامات روشی و ساختاری
PA4	باید به درک نیات راهبردی دشمن پرداخت که دشمن چگونه می‌اندیشد؟	چگونگی اندیشه‌ورزی دشمن	درک نیات راهبردی دشمن
PA5	نه‌تنها به تهدیدات جنگ نرم بلکه باید به فرصت‌ها نیز در سامانه پرداخته شود	تهدیدات و فرصت‌های جنگ نرم	شناسایی محیط راهبردی جنگ نرم
PA6	بهترین بهره‌گیری نظام در جنگ نرم، استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی است	تمرکز بر هوش مصنوعی	زیرسامانه‌های هوش مصنوعی
PA7	اطلاعات ما در سطح راهبردی از آینده جنگ نرم دشمن کم است	تمرکز بر اطلاعات راهبردی	زیرساخت اطلاعاتی
PA8	به نشانک‌های تغییر در سامانه باید بپردازید	نشانک‌های تغییر	عملیات شناسایی نشانک‌ها در سامانه
PA9	الان هر بخش از ابعاد جنگ نرم ازجمله اقتصادی متحمل آسیب دیدن در جنگ نرم است	ابعاد جنگ نرم	پویش و پایش حوزه‌های راهبردی
PA10	از صاحب‌نظران حوزوی در جنگ نرم استفاده شود	خبرگان حوزوی	زیرسامانه تحلیل خبرگی

۳-۲. تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

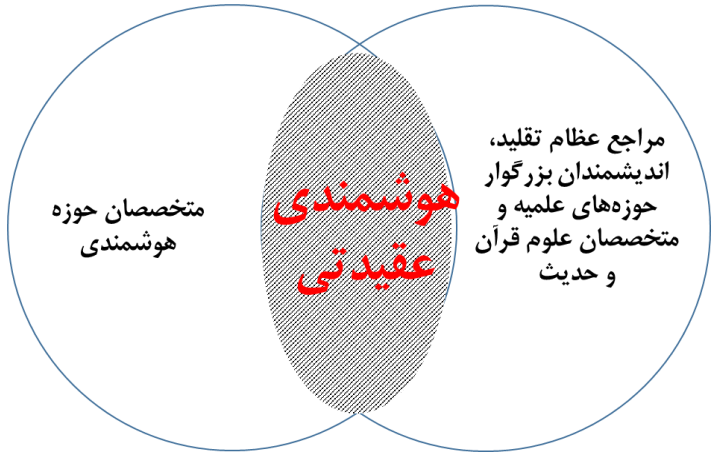
مصاحبه با خبرگان نشان می‌دهد که کاوش برای دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم در مراکز مورد مطالعه در چهارچوب رویکردهای خبرگانی- ماشینی و اسنادی- میدانی انجام می‌گیرد. اگرچه برگزاری پانل خبرگان نشان‌دهنده وجود برخی از اختلاف‌نظرها

در شیوه‌های جاری است، می‌توان به موارد زیر به‌عنوان مهم‌ترین بخش‌های آرای اعضای پانل خبرگان اشاره کرد:

- ❖ فقدان سامانه متمرکز و تخصصی یکپارچه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم؛
- ❖ موازی‌کاری واحدها، مراکز و قرارگاه‌های پُرشمار دیدبانی جنگ نرم؛
- ❖ شیوه‌ها و روش‌های سلیقه‌ای و داخلی دیدبانی جنگ نرم؛
- ❖ فقدان شبکه توزیع مؤثر اطلاعاتی در جنگ نرم؛
- ❖ روزمرگی، بی‌رمقی و بی‌حوصلگی یا کم‌حوصلگی مدیران میدانی در توجه به هشدارها و بازتاب آن هشدارها در سلسله‌مراتب فرماندهی به‌ویژه در مسئله انتخابات؛
- ❖ فقدان نظام متمرکز هوشمندی راهبردی؛
- ❖ ساختار گزارش‌دِهی غیرمؤثر در چهارچوب گزارش‌های چندصد برگی غیرجذاب؛
- ❖ عدم تمرکز یافته‌های محوری جنگ نرم با تمرکز بر رویکرد آگاه‌سازی صرف عقیدتی–سیاسی؛
- ❖ فقدان نیروی کمی و کیفی مناسب دیدبانی جنگ نرم؛
- ❖ محدودیت‌های شدید حفاظتی و اطلاعاتی و شکل‌گیری جزیره‌های همسایه (آشنایان غریبه)؛
- ❖ تلاش رده‌ها در حفظ و صیانت داخلی از یافته‌های جنگ نرم و عدم‌انتشار و انعکاس به دیگران؛
- ❖ چندگانگی دستگاه‌های تصمیم‌گیر و مجری مخاطب یافته‌های این سازوکارها.

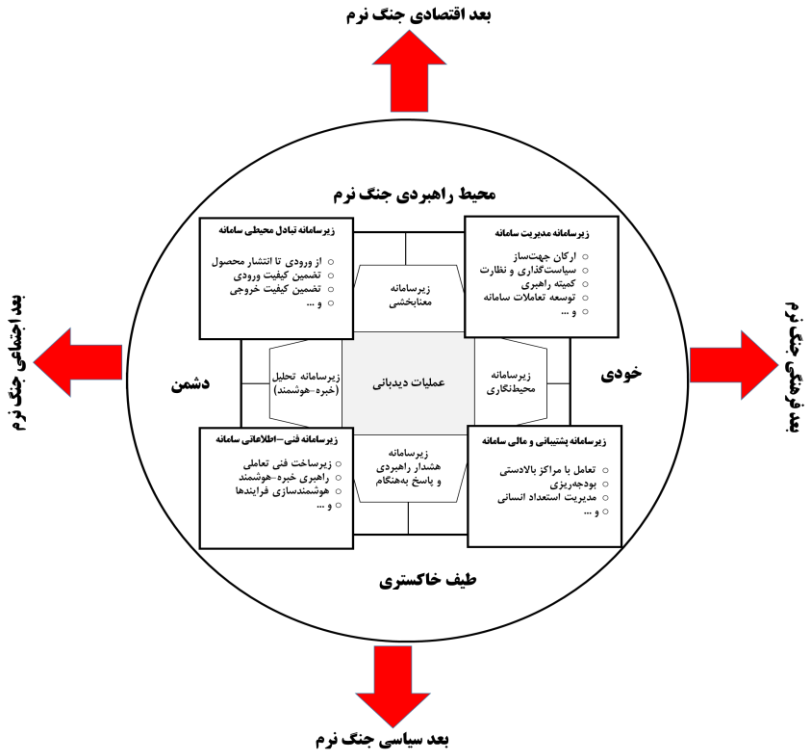
براساس ادبیات تحقیق و تأیید مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های عمیق، دیدبانی راهبردی به‌عنوان بر پایه دانش اطلاعات که چهارچوب نظری آن در فرایندهای دیدبانی هوشمند راهبردی تبیین شده است، با توجه به فرایندهای به‌کارگیری هوشمندی عقیدتی–سیاسی، سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم، نیازمند بهره‌گیری از خبرگان

آشنا به امور عقیدتی-سیاسی خواهد بود. در شکل (۱)، هم‌پوشانی خردورزی خبرگان حوزوی با دانسته‌های صاحب‌نظران اطلاعاتی در چهارچوب هوشمندی عقیدتی ارائه شده است که از تحلیل مصاحبه‌ها و مرور نظام‌مند اسناد دیدبانی به‌دست‌آمده است.



شکل ۱: هم‌پوشانی خبرگان حوزوی با صاحب‌نظران اطلاعاتی در جنگ نرم (منبع: نگارنده)

در شکل (۲)، سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم با توجه به تحلیل مضمون مصاحبه‌ها با مشارکت‌کنندگان و همچنین تأیید اعضای پانل خبرگان ترسیم شده است. مبنای دستیابی به زیرسامانه‌ها، تحلیل مضامین مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تحقیق کیفی و نیز دستیابی به یافته‌های بصری در پانل خبرگی بوده است.



شکل ۲: اجزای سامانه دیدبانی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم

می‌توان اجزای سامانه دیدبانی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم را به این ترتیب ارائه کرد:

- ❖ زیرسامانه محیط‌نگاری جنگ نرم قوت و ضعف‌های محاطی در سه حوزه خودی، دشمن و بی‌طرف به‌همراه تهدیدات و فرصت‌های محیطی (شفافیت، کفایت، تاب‌آوری، پیچیدگی و تنوع)؛
- ❖ زیرسامانه مدیریت کلان سامانه (سیاست‌گذاری و نظارت، راهبری کمیته مشورتی و توسعه تعاملات بیرونی سامانه)؛
- ❖ زیرسامانه عملیات دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم؛
- ❖ زیرسامانه تبادل محیطی سامانه (از ورودی تا انتشار دستاوردهای سامانه و تضمین کیفیت ورودی‌ها و خروجی‌ها)؛

- ❖ زیرسامانه پشتیبانی از سامانه (تعامل با مراکز پشتیبانی و بودجه‌ریزی و پشتیبانی و مدیریت استعداد نیروی انسانی)؛
- ❖ زیرسامانه معنابخشی (عملیات شناختی، ادراک محیطی، جذابیت‌زایی برای نشانک‌های تغییر و سناریوهای شگفتی‌ساز و ...)؛
- ❖ زیرسامانه فنی-اطلاعاتی سامانه (تأمین زیرساخت فنی تعاملی «خبره-هوشمند»، هوشمندسازی فرایندهای سامانه و ...).

هوش مصنوعی به دیدبانان در سامانه دیدبانی کمک می‌کند تا سوزن‌ها را در انبار کاه پیدا کنند، نقطه‌ها را به هم متصل کنند و با تشخیص روندها و کشف نشانه‌ها و هشدارهای پنهان یا پنهان شده قبلی، نقشه‌های خطرناک را مختل کنند. قابلیت‌های مجهز به هوش مصنوعی، هر مرحله از فرایندهای دیدبانی را از انجام وظایف تا جمع‌آوری، پردازش، بهره‌برداری، تجزیه‌وتحلیل و انتشار بهبود می‌بخشد. الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند حجم وسیعی از داده‌ها را برای یافتن الگوها، شناسایی تهدیدات، شناسایی همبستگی‌ها و پیش‌بینی‌ها بررسی کنند.

ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند تصاویر ماهواره‌ای، سیگنال‌های ارتباطی، شاخص‌های اقتصادی، داده‌های رسانه‌های اجتماعی و سایر منابع بزرگ اطلاعات را در بستر جنگ نرم براساس ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های از پیش تعیین شده، قابل درک‌تر کنند. هوش مصنوعی می‌تواند همبستگی‌هایی بین داده‌های منابع آشکار و سایر منابع اطلاعاتی پیدا کند و به اعضای سامانه دیدبانی کمک کند تا در فعالیت‌های هدف‌گیری و جمع‌آوری دقیق‌تر، کارآمدتر و مؤثرتر باشند. مجموعه فناوری‌های اطلاعاتی در بستر هوش مصنوعی فعلی و نوظهور قابل استفاده در مأموریت‌های دیدبانی برای تجزیه‌وتحلیل متون، فناوری‌های مقابله با اخبار فیک (مانند تشخیص چهره، صدا و راه‌رفتن)، پردازش زبان طبیعی و توابع جست‌وجو در پایگاه‌های داده بزرگ و ... است. مهم‌تر از همه، هوش مصنوعی ترکیب داده‌ها را از جریان‌های داده غیرمشابه برای ایجاد یک نقشه ترکیبی در جنگ نرم امکان‌پذیر می‌کند.

ازجمله چالش‌های اثربخشی ضعیف فعالیت‌های دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم که در خلال مصاحبه‌های عمیق به‌دست‌آمده است، عبارت‌اند از:

- از منظر شیوه‌های ورودی سامانه دیدبانی: دو شیوه خبرگانی-ماشینی (هوشمند) مورد توجه مشارکت‌کنندگان پژوهش کیفی قرار گرفته است؛
- از منظر منابع: گردآوری داده‌ها در فرایندهای سامانه، میدانی و هوشمند مبتنی بر نرم‌افزارهای پایش احساسات ذکر شده است؛
- از منظر رویکرد دفاعی یا آفندی: شیوه‌های رویارویی با جنگ نرم تاکنون (پسینی و پس از وقوع رخدادهای شگفتی‌ساز) به‌منظور پاسخ‌دهی امنیتی بوده است؛
- از منظر زمانی: پیوسته و مداوم، اما با توجه به مقدار منابع اختصاص داده شده در مقاطع زمانی مختلف، شدت و ضعف داشته است؛
- به اذعان مصاحبه‌شوندگان، براساس آسیب‌شناسی ساختارهای فرهنگی، امنیتی و دفاعی مرتبط با جنگ نرم، به نظر می‌رسد مجموعه‌های کشوری و لشکری جمهوری اسلامی ایران با محوریت ستاد کل نیروهای مسلح به‌عنوان رابط میان حوزه‌های اثرگذار راهبردی دفاعی-غیردفاعی، بهتر است سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام را در قرارگاه جنگ نرم به‌صورت یک اتاق وضعیت خبره-هوشمند راه‌اندازی کنند که ویژگی‌های آن در ادامه تبیین می‌شود؛
- قرارگاه جنگ نرم، حوزه پردازش متن و افزایش بهره‌وری الگوها، تکنیک‌ها و الگوریتم‌ها، استخراج دانش از متن‌های برخط یا گفتگوهای متنی مرتبط با شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون توییتر و تلگرام و دیگر سکوهای شبکه‌های اجتماعی را به‌منظور کشف روندها، تحلیل احساسات و ... در دستور کار دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم قرار می‌دهد.

پیشرفت‌های هوش مصنوعی با حوزه پیش‌بینی رویداد به‌ویژه پیش‌نگری رویدادهای امنیتی همچون پیش‌بینی ناآرامی‌ها و شورش‌های اجتماعی با بهره‌گیری از روش‌شناسی زیر در بستر نرم‌افزارهای مرتبط هوش مصنوعی اجرایی می‌شود.

۳-۳. درک نیات راهبردی خصمانه دشمنان در جنگ نرم

«باراک ام سینر»[1] پژوهشگر ارشد در انجمن «هنری جکسون»[2] و بنیان‌گذار هوش راهبردی و انجمن آینده خلیج‌فارس می‌نویسد: «زمان سیاست جدید در قبال ایران فرا رسیده است. سیاست بازدارندگی تحت رهبری ایالات‌متحده به طرز چشمگیری شکست خورده است. دو هدف آن جلوگیری از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای و مهار سیاست‌های ایران در غرب آسیا بود. اکنون ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است، حوزه نفوذ خود را در سراسر منطقه گسترش داده و در ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ میلادی برای نخستین بار مستقیم به رژیم صهیونیستی حمله کرد» (سینر، ۲۰۲۴: ۵).

براساس درک نیات راهبردی خصمانه دشمنان در جنگ نرم، شناسایی موارد زیر یکی از یافته‌های سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم تلقی می‌شود:

- شناسایی باورهای رفتاری، هنجاری و مداخلات بیرونی خصمانه در جنگ نرم؛
- شناسایی نگرش، هنجارهای ذهنی و عوامل واپایشی دشمنان در جنگ نرم؛
- درک نیات راهبردی دشمنان در جنگ نرم به ترتیب زیر:
  - مفروضات بنیادین دشمن درباره خودش؛
  - باورهای بنیادین دشمن درباره دشمنانش؛
  - اهداف کلیدی و اساسی دشمن؛
  - رفتارها و اقدامات اساسی دشمن.

به نظر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کیفی، استکبار جهانی به رهبری آمریکا، موارد زیر را در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران پیگیری خواهد کرد:

- کودتا و براندازی دولت مردمی یکی از باورهای خصمانه غرب به سرکردگی آمریکا است؛ به عبارت دیگر زمینه‌چینی یک ساله انگلیس و آمریکا برای کودتای ۲۸ مرداد را می‌توان نمونه یکی از مداخلات بیرونی خصمانه آمریکا در ایران دانست و نباید

1. Barak M. Seener
2. Henry Jackson Society

کودتا منحصر به ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باشد. درواقع این ۳ روز، روزهای میوه‌چینی جنگ نرم پیچیده‌ای به شمار می‌رود که کودتاگران از حدود یک سال پیش از کودتا در ایران انجام دادند و در نهایت در یک نیمروز توانستند قدرت را در ایران به دست بگیرند و شاه را به قدرت بازگردانند.

- ❖ رویکرد سازش که با ترکیبی از مصالحه و معامله مطرح شده است، رویکردی سیاسی با هدف ترغیب ایران به همکاری با غرب به‌ویژه آمریکا (در بستر مذاکرات منجر به برجام ۲)؛
- ❖ رویکرد بازدارندگی (تحدید قدرت) که در رویارویی با ایران اسلامی زمینه‌ساز افزایش حضور نظامی جنگ‌طلبانه آمریکا در اطراف مرزهای ایران شده است.

وزارت خارجه آمریکا به‌واسطه ابزارهای تحقیقاتی و آموزشی، به دنبال تغییرات اجتماعی و به‌واسطه آن، استحاله فرهنگی و به تبع آن، براندازی از طریق اقدامات نرم یا خشونت پرهیز در قالب جنبش‌های اجتماعی زنان است که نمونه آن در اغتشاشات ۱۴۰۱ پدیدار شد. تاکنون نگرش، هنجارهای ذهنی و عوامل واپایشی دشمنان در جنگ نرم علیه ایران اسلامی در دسته‌های زیر قرار گرفته است:

- ❖ برنارد لوییس (مشاور وقت نیروی هوایی آمریکا)، جاسوس انگلیسی و مبدع نخست نظریه برخورد تمدن‌ها، اسلام را بزرگ‌ترین دشمن آمریکا و لیبرال دموکراسی حاکم بر آن دانسته است؛
- ❖ همچنین در سال ۱۹۹۲ میلادی فرانسیس فوکویاما، در مقاله‌ای پایان تاریخ و انسان را به‌عنوان مقوم لیبرال دموکراسی آمریکایی پیشنهاد داد که هدف آن، برجسته‌سازی تمدن غربی و لیبرالیسم در جهان بود؛
- ❖ «برایان مایکل جنکینز»[1] در مقاله‌ای در سال ۱۹۸۶ میلادی به‌صورت تلویحی ترور رهبر جمهوری اسلامی ایران را در اندیشکده رند پیشنهاد می‌دهد. وی که هم‌اکنون نیز در سمت بالاتری در رند مشغول به فعالیت است، از شهادت سید حسن نصرالله

1. Brian Michael Jenkins, Senior Adviser to the RAND President

به روش ترور استقبال می‌کند و بهره‌گیری رژیم غاصب صهیونیستی از این روش را توصیه وی به فرماندهان و تصمیم‌سازان صهیونیستی اعلام می‌کند؛[1]

- اطلاق واژه تروریست به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا خرابکار به دولت و مسئولان نظام اسلامی ایران و نیروهای بسیج و سپاه که به‌هیچ عنوان سر سازش با آمریکا را ندارند و در مقابل، ناامیدن مردم ایران به‌عنوان دوست، کوششی برای ایجاد گروه‌بندی و تفرقه در بین مردم ایران از سوی اندیشمندان آمریکایی بوده است؛
- «اریکا چنووث»[2] و «ماریا جی استفان»[3] در مؤسسه «خشونت‌پرهیزی برای دموکراسی»[4] با بهره‌گیری از بودجه مؤسسه صلح ایالات‌متحده آمریکا چگونگی مبارزه مدنی به‌منظور براندازی نرم در ایران را نظریه‌پردازی می‌کنند. برخی از توصیه‌های این دو، به‌ویژه در طراحی و اجرایی‌سازی اغتشاشات سال ۱۴۰۱ موسوم به «زن، زندگی و آزادی» مو به مو در ایران اجرایی شده است.

همچنین مؤلفه‌های سامانه دیدبانی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم با توجه به تحلیل مضامین مصاحبه‌ها، در ابعاد جنگ نرم پیشنهاد می‌شوند.

۳-۳-۱. بُعد فرهنگی جنگ نرم

با توجه به‌مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش و همچنین داده‌های برآمده از مصاحبه‌های عمیق، مؤلفه‌های بُعد فرهنگی جنگ نرم را می‌توان موارد زیر برشماری کرد:

- نشانه‌های تحولات فرهنگی در جنگ نرم؛
- موضوعات نوآیند فرهنگی و فرصت‌ها و تهدیدات محتمل برآمده از آن‌ها در جنگ نرم؛
- مسئله‌شناسی فرهنگی جنگ نرم در سطح راهبردی (تدوین نظام مسائل فرهنگی)؛

1. https://www.rand.org/pubs/external_publications/EP70713.html
2. Erica Chenoweth
3. Maria J. Stephan
4. NVR-induced transitions to democracy

- ارزیابی سیاست‌ها و بازخوردگیری از آینده‌نگاری اسناد فرهنگی جنگ نرم در بازه‌های زمانی مشخص؛
- پایش حوزه‌های اثرگذار فرهنگی در جنگ نرم.

۳-۳-۲. بُعد اجتماعی جنگ نرم

با توجه به‌مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش و همچنین داده‌های برآمده از مصاحبه‌های عمیق، مؤلفه‌های بُعد اجتماعی جنگ نرم را می‌توان موارد زیر برشماری کرد:

- هویت جمعی در جنگ نرم؛
- سبک زندگی مردم ایران؛
- انسجام اجتماعی مردم ایران در جنگ نرم؛
- سرمایهٔ اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ نرم؛
- الگوهای رفتاری مردم در جنگ نرم؛
- دلبستگی ملی در آوردگاه جنگ نرم؛
- آمادگی مردم ایران برای تغییر اندیشه‌های رایج؛
- آگاهی وضعیتی از شبکه‌های اجتماعی واقعی و فضای مجازی در جنگ نرم؛
- پویایی سیستمی لایه‌های جمعیتی در جنگ نرم.

۳-۳-۳. بُعد اقتصادی جنگ نرم

موضوعات اقتصادی می‌توانند سبب تهدیدات اجتماعی و هویتی باشند. با توجه به‌مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش و همچنین داده‌های برآمده از مصاحبه‌های عمیق، مؤلفه‌های بُعد اقتصادی جنگ نرم را می‌توان موارد زیر برشماری کرد:

- تحریم اقتصادی به بهانه جنگ نرم؛
- عدم همکاری مؤسسات مالی و اقتصادی بین‌المللی در جنگ نرم؛

- ارزش‌آفرینی اقتصادی در بستر رسانه برای قمار، اسراف، تبذیر و طرفداری از محتکران، دلالان ارز و طلا و قاچاقچیان؛
- اعتمادزدایی از کالا، بازار کار و سرمایه ایرانی؛
- تضعیف فرهنگ کار و نوآوری ایرانی؛
- ایجاد حس خودکوچک‌بینی و حقارت نسبت به تولیدات داخلی؛
- ایجاد حس بدبینی نسبت به فعالیت‌های دولت در حوزهٔ اقتصاد.

۳-۳-۴. بُعد سیاسی جنگ نرم

با توجه به‌مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش و همچنین داده‌های برآمده از مصاحبه‌های عمیق، مؤلفه‌های بُعد سیاسی جنگ نرم را می‌توان موارد زیر برشماری کرد:

- مشروعیت سیاسی؛
- اندیشه حکمرانی؛
- یکپارچگی سیاسی؛
- تاب‌آوری ملی؛
- ثبات سیاسی-امنیتی؛
- تصویرسازی از نظام سیاسی بدیل.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش پایان راه نیست؛ بلکه آغازی است بر فرایندی مبارک و اثربخش که نیازمند مشارکت و تعامل گستره وسیعی از افراد و سازمان‌ها به‌منظور دیدبانی در جنگ نرم است. بدون تلاش جمعی و ایجاد جریان اجتماعی، تحقق فرایندهای دیدبانی هوشمند راهبردی و پیاده‌سازی سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم با دشواری‌های عدیده‌ای روبه‌رو است. ازاین‌رو برای ادامه این راه خطیر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- ✓ ارتقای روش‌های موجود در آینده‌پژوهی رایج برای به‌کارگیری مؤثرتر در مدیریت آینده‌نگر جنگ نرم؛
- ✓ بهره‌گیری از یافته‌های سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در جنگ نرم در تدوین نظام مسائل جنگ نرم؛
- ✓ تبیین الگوهای رفتاری مطلوب در نظام مسائل جنگ نرم با اتکا بر معنابخشی مبتنی بر یافته‌های سامانه دیدبانی جنگ نرم؛
- ✓ کاربست سامانه دیدبانی راهبردی و هشدار و پاسخ به‌هنگام در دیگر موضوعات پیچیده در سطوح راهبردی دفاعی–امنیتی.

فهرست منابع

پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، به نشانی: www.khamenei.ir

آذرو همکاران (۱۴۰۲)، ***الگوی ارزیابی قدرت آفند سایبری ارتش جمهوری اسلامی ایران***، علوم و فنون نظامی، مقاله ۲، دوره ۱۹، شماره ۶۴، صفحه ۳۵-۶۱.

ایروانی (۱۴۰۳)، ***واکاوی مسئله جواز خدعه و دروغ در جنگ رسانه‌ای***. مشکوة، ۴۳(۱)، ۵۶-۷۹.

ترابی و همکاران (۱۴۰۰)، ***انقلاب سایبری و تحول مفهوم جنگ اطلاعاتی در عرصه روابط بین‌الملل***، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۴)، ۴۷-۶۵.

توکلی و احمدیان (۱۴۰۳)، ***طراحی سامانه دیدبانی امنیت جامعه و بحران‌های اجتماعی***، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۸(۳۰)، ۲۸۵-۳۰۲.

حاجی صادقی (۱۳۹۴)، ***جنگ فرهنگی استکبار: اهداف-راهبردها***. دوره ۴، شماره ۱.

حسن‌پور و همکاران (۱۴۰۳)، ***طراحی مدل دوفرایندی جنگ شناختی ارزشی با رویکرد هیجانی در جامعه***، روان‌شناسی نظامی، دوره ۱۵، شماره ۲ - شماره پیاپی ۵۸، صفحه ۹۱-۱۱۷.

دماری و همکاران (۱۳۹۹)، ***طراحی نظام دیدبانی سلامت جمهوری اسلامی ایران***، پایش، ۱۹(۵).

دهقان ده‌جمالی (۱۳۹۶)، ***نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در هشت سال دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری از آن در جنگ احتمالی آینده (با تأکید بر جنگ نرم)***، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.

رستمی و همکاران (۱۴۰۱)، ***بررسی تأثیر جنگ روانی بر اضطراب و ناکامی***، راهبرد دفاعی، ۲۰(۸۰)، ۴۰-۶۰.

رفیعی‌راد (۱۳۹۹)، ***بررسی میزان تأثیر فضای مجازی بر باورها و اعتقادات کاربران شبکه‌های اجتماعی***، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰(۴۱)، ۲۰۱-۲۲۰.

سرمد و همکاران (۱۳۸۲)، ***روش‌های تحقیق در علوم رفتاری***، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

شیخلری و همکاران (۱۳۹۸)، ***کاربست هوشمندی در دیدبانی***، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

شریفی (۱۴۰۱)، ***دشمن‌شناسی در بیانیه گام دوم انقلاب***، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۲(۴۶)، ۷-۳۰.

صادقی و پدرام (۱۳۹۹)، ***فرایندهای دیدبانی هوشمند راهبردی***، فصلنامه راهبرد.

صدری نوش‌آبادی، ص؛ و همکاران (۱۳۹۷)، ***طراحی نظام دیدبانی آموزش عالی با رویکرد کارآفرینانه***. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۶(۴)، ۸۰۵-۸۲۵

عیوضی و همکاران (۱۴۰۲)، ***چالش کاوی بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی***، راهبرد اجتماعی فرهنگی سال ۱۲، شماره ۴۸.

کرسول (۱۳۹۶)، ***طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)***، ترجمه دانایی‌فرد و صالحی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

محمدی و پدرام (۱۳۹۹)، ***طراحی سامانه دیدبانی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران در حوزه ترانزیت***، مطالعات راهبردی دفاع ملی، دوره ۴، شماره ۱۵: ۳۱۳-۳۳۶.

مؤمن (۱۴۰۲). ***واکاوی شیوه‌های مقابله با نفوذ دشمن در جهاد تبیین مبتنی بر آموزه‌های صحیفه سجادیه***. دوفصلنامه (علمی-پژوهشی) دعاپژوهی، ۳(۴)، ۹۱-۱۰۶.

مؤمنی زاهد (۱۳۹۸)، ***طراحی سامانه دیدبانی راهبردی (مطالعه موردی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)***، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

میرشاه ولایتی و همکاران (۱۳۹۸)، ***الگوی دیدبانی فناوری: فرایند و ساختاری برای رصد تحول‌های فناورانه***، آینده‌پژوهی دفاعی، ۴(۱۳)، ۴۱-۶۸.

نصیرزاده و همکاران (۱۴۰۳)، ***جنگ ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: عوامل اثرگذار، پیشران‌ها و ابزارها، اهداف و نقاط آماج دشمن)***، امنیت ملی، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صفحه ۹-۳۲.

References

Bar, Shmuel (2010). *The Soft War against Israel: Motivations and Solutions*. Herzliya Conference. Tel Aviv.

Chitty, N., Ji, L., & Rawnsley, G.D. (Eds.). (2023), *The Routledge Handbook of Soft Power (2nd ed.)*. Routledge. https://doi.org/10.4324/9781003189756

Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2023). *The Sage handbook of qualitative research (3rd ed.)*. Sage Publications Ltd

Gordon, Theodore J. (2013), *Futures Research Methodology V3.0, Environmental Scanning*, The Millenium Project, pp. 1-23.

Hines, A., Bengston, D. N., Dockry, M. J., & Cowart, A. (2018). *Setting Up a Horizon Scanning System: A U.S.* Federal Agency Example, World Futures Review, 10(2), 136-151.

Institute of Risk Management (IRM) (2019), *Horizon Scanning: A Practitioner's Guide*. USA.

Naeem, M. et al (2023), *A Step-by-Step Process of Thematic Analysis to Develop a Conceptual Model in Qualitative Research*, International Journal of Qualitative Methods, Volume 22: 1–18.

Seener, BM. (2024), *Restoring Deterrence: Destabilising the Iranian Regime*, the Henry Jackson Society, USA

Wintle B. (2020). *Bioengineering horizon scan 2020*. Elife.